

مجله‌ی مطالعات ادبیات کودک دانشگاه شیراز، مقاله‌ی علمی-پژوهشی
سال پانزدهم، شماره‌ی اول، بهار و تابستان ۱۴۰۳ (پیاپی ۲۹)، صص ۳۰۹-۳۳۶

بررسی و تحلیل شیوه‌ی عنوان‌گذاری در مجموعه‌ی داستانی «دوازده قلعه از
زندگانی چهارده‌معصوم (ع)» اثر مسلم ناصری

محبوبه همتیان*

مهديه كاظم‌زاده عطوفی**

چکیده

عنوان، نشانی از هویت متن به‌همراه دارد و جزئی از ساختمان معنایی متن به شمار می‌رود. تکنیک نام‌گزینی برای عنوان داستان‌ها یکی از شگردهای مهم در داستان‌پردازی است. در گزینش عنوان داستان‌ها، عوامل درون‌متنی شامل: عناصر داستان و عناصر بلاغی و عوامل برون‌متنی شامل: شخصیت‌های تاریخی و اسطوره‌ای، باورها و عقاید مطرح در جامعه و بینامتنیت نقش مهمی دارد. در این مقاله، مجموعه‌ی چهارده‌جلدی *داستان‌های زندگانی چهارده‌معصوم (ع)* که در رده‌ی کتاب نوجوان گروه‌بندی شده است؛ بررسی شده و به روش و مبنای نام‌گذاری هر کتاب از این مجموعه و میزان تأثیرگذاری آن بر ذهنیت‌سازی نوجوان درباره‌ی شخصیت اصلی داستان و محتوای آن

* استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان m.hematian@ltr.ui.ac.ir (نویسنده‌ی مسئول)

** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان mkazemzadeh89@gmail.com

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۶/۱۹

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۴/۱۳

DOI: 10.22099/JCLS.2023.4698801981



پرداخته شده است. کل این مجموعه، چهارده عنوان اصلی و ۱۶۸ عنوان فرعی دارد. همچنین در این مقاله سعی شده است به شیوه‌ی تحلیلی توصیفی ساختار عنوان‌ها و نقش عوامل درون‌متن و برون‌متن در گزینش عنوان داستان تبیین شود. بیشتر عنوان‌ها در این مجموعه درون‌متنی و مضمونی با کارکرد توصیفی است و به متن داستان ارجاع دارد نه بیرون از آن. ساختار عنوان‌ها بیشتر ترکیبی است تا ساده و به دلیل واقع‌گرایی داستان‌های مذهبی، توجه به عنوان‌های عینی بیشتر از عنوان‌های انتزاعی است. در تعداد اندکی نیز عنوان‌ها معماگونه است. رابطه‌ی خاص هم‌حضور (بینامتنیت) در نام‌گذاری برخی عنوان‌های اصلی، نقش داشته است.

واژه‌های کلیدی: مجموعه‌ی داستانی دوازده قصه از زندگانی چهارده‌معصوم (ع)، عنوان‌گذاری داستان، عوامل درون‌متنی، عوامل برون‌متنی.

۱. مقدمه

آنچه در ابتدا مخاطب را متأثر و به خواندن ترغیب می‌کند، عنوان داستان است که می‌تواند در پذیرش یا رد اثری، تأثیرگذار باشد. عنوان، اولین نشانه‌ی آشنایی مخاطب با نوشته است که سبب شکل‌گیری ذهنیت در خواننده و شروع داستان در ذهن او می‌شود؛ یعنی زمانی که خوانش متن داستانی، هنوز شروع نشده است. در واقع عمل خوانش همواره پس از تأیید عنوان داستان، در ذهن مخاطب صورت می‌گیرد. عنوان داستان می‌تواند برجسته‌ترین و اصلی‌ترین پیام داستان باشد؛ پیامی که هدف و غایت سخن نویسنده در آن نهفته است. نوآوری، برانگیختگی تفکر، ترغیب خوانندگان، گیرایی و تسخیر ذهن و نگاه آن‌ها، پرهیز از عنوان‌های درازدامن و الهام‌بخش بودن از جمله عوامل اثرگذار در گزینش عنوان داستان است (رک. یونسی، ۱۳۸۲: ۱۱۰-۱۳۰).

لئوهوک^۱ عنوان را مجموعه‌ای از نشانه‌های زبانی متشکل از واژه‌ها و جمله‌ها می‌داند که جهت متن را مشخص می‌کند و به محتوای کلی داستان و متن اشاره و مخاطبان را جذب می‌کند (رک. محمدی و قاسمی‌دوری‌آبادی، ۱۳۹۵: ۸۱).

^۱. Leo H. HOCK

ژنت، پیرامتن‌ها را عناصری می‌داند که در آستانه‌ی متن قرار دارند و آن‌ها را به درون‌متنی و برون‌متنی تقسیم‌بندی می‌کند. وی «پیرامتن‌هایی که درون کتاب به چشم می‌خورد، مثل عنوان، دیباچه، پاورقی و سرفصل‌ها را درون‌متن نامید و مجموعه‌ی پیرامتن‌هایی از قبیل: مصاحبه‌ها، مراسلات و یادداشت‌های شخصی روزانه را که در همان ابتدای پیدایش متن، در خارج از اثر جای گرفتند، برون‌متن نام نهاد» (ژوو، ۱۳۹۴: ۴).

عنوان به‌مثابه پیرامتنِ درون‌متنی، خود می‌تواند به «عنوان درون‌متنی» و «عنوان برون‌متنی» تقسیم‌بندی شود. عنوانی که بتواند به یک یا چندین عنصر موجود در متن از قبیل موضوع، مضمون، صورت و شکل اثر که متن براساس ترکیب آن‌ها خلق می‌شود، مرتبط شود «عنوان درون‌متنی» است و اگر عنوان به عوامل فرامتنی و برون‌متنی از قبیل شخصیت‌هایی که بیرون از متن قرار دارند یا مکانی که اثر در آن شکل گرفته است، ارجاع داده شود «عنوان برون‌متنی» نام می‌گیرد (رک. نامورمطلق، ۱۳۸۸: ۹۰). عنوان درکنار مؤلفه‌های دیگر پیرامتن، افق انتظاری را در خواننده شکل می‌دهد. خواننده با توجه به عنوان داستان و تعبیر و تفسیری که در ذهن او شکل می‌گیرد، انتظار دارد با متنی در تناسب مستقیم یا حتی معکوس با عنوان داستان روبه‌رو شود.

عنوان را در داستان به دو نوع مضمونی و معماگونه دسته‌بندی کرده‌اند. «عنوان مضمونی» عنوانی است که کلیدی برای تفسیر متن در اختیار می‌گذارد و نقشی هدایت‌گر دارد؛ به این معنی که کانون ویژه‌ی دقت و تمرکز خواننده را از همان ابتدا به‌گونه‌ای متمایز مشخص می‌کند. این نوع عنوان معمولاً یکی از شاخص‌های متن را توصیف می‌کند؛ به این صورت که یا مکان وقوع حوادث را خاطر نشان می‌سازد و این مکان در سرنوشت داستان نقش اساسی دارد یا به شخصیتی اشاره می‌کند که نقش اصلی را در داستان به‌عهده دارد و حتی می‌تواند برخی از خصوصیات قهرمان داستان را نیز به‌گونه‌ای ضمنی آشکار سازد یا اینکه از محتوای متن خبر می‌دهد و مفاهیمی را به ذهن متبادر می‌کند که شاید با درون‌مایه‌ی داستان بیگانه نباشد. این عنوان حتی می‌تواند خواننده را

پیشاپیش از تأثیری که داستان بر وی خواهد گذاشت، یعنی از جنبه‌ی نشاط‌انگیزی یا حزن‌انگیز بودن داستان، تاحدودی آگاه سازد.

دسته‌ی دوم «عنوان معماگونه» است که مفهوم آن باتوجه‌به دیگر عناصر پیرامتن و همچنین با مطالعه‌ی کامل اثر روشن می‌شود. این‌گونه عنوان بی‌درنگ سؤال‌هایی را برای خواننده مطرح می‌کند: چه اتفاقی؟ برای چه کسی؟ به چه علت؟ چنین پرسش‌هایی بدون شک اشتیاق خواننده را برای مطالعه‌ی متن برمی‌انگیزاند. آمبرتو اکو عقیده دارد که عنوان یک اثر نباید بر افکار و اندیشه‌های خواننده تأثیر بگذارد؛ بلکه باید خواننده را سردرگم کند. لسینگ نویسنده‌ی آلمانی نیز معتقد است هرچه عنوان درباره‌ی محتوای متن اطلاعات کمتری در اختیار خواننده قرار دهد، جذابیت و گیرایی اثر افزایش می‌یابد. بنابراین «عنوان معماگونه» قادر است نویسنده را برای پدیدآوردن انگیزه و کشش بیشتر در خواننده یاری دهد (رک. قویمی، ۱۳۸۷: ۴۹).

کارکردهای عنوان در دیدگاه ژنت عبارت است از: هویتی، توصیفی، ارزش‌گذاری ضمنی و کارکرد جذب‌کنندگی. کارکرد هویتی یا تمایزبخشی مانند نام خاص است. همان‌گونه که نام شخص او را از دیگران متمایز می‌کند، عنوان نیز به اثر تشخیص می‌بخشد؛ همچنان که در بسیاری از نمونه‌ها حتی با شنیدن نام اثر می‌توان با آن ارتباط برقرار کرد. کارکرد توصیفی ممکن است مضمونی (درباره‌ی محتوا) یا صوری (درباره‌ی قالب و فرم اثر) باشد. کارکرد ارزش‌گذاری ضمنی دربرگیرنده‌ی تمام معانی جانبی یک عنوان، جز کارکرد توصیفی است؛ به‌گونه‌ای که امکان دارد شیوه‌ی نوشتار یک نویسنده یا گونه‌ی ادبی یک عصر را به شکل تکریم‌آمیز یا تمسخرآمیز تداعی کند. در کارکرد جذب‌کنندگی، عنوان با اختصار یا اطناب یا هنجارشکنی، مخاطب را مجذوب می‌کند (رک. ژوو، ۱۳۹۴: ۶-۱۰).

با درنظرگرفتن کارکردها اهمیت عنوان به این دلایل است:

۱. عنوان هر کتاب آن را از سایر هم‌نوعانش متمایز و در طبقه‌بندی درستی جای می‌دهد؛
۲. عنوان، توصیفی از مضمون داستان یا کتاب است؛ ۳. عنوان مناسب قادر است خواننده

را به مطالعه‌ی محتوای اثر تشویق کند؛ ۴. گاهی عنوان بیانگر سبک و شیوه‌ی روایت است (رک. رشیدی و صادقی شهپر، ۱۳۹۹: ۱۸۵).

در این پژوهش به صورت خاص، شیوه‌های عنوان‌گذاری در یکی از مجموعه‌های داستانی حوزه‌ی کودک و نوجوان بررسی شده است. این مجموعه، *داستان‌های زندگانی چهارده معصوم (ع)*، اثر بازنویسی شده به قلم مسلم ناصری و در رده‌ی کتاب نوجوان است. هر کتاب از این مجموعه، حاوی داستان‌هایی با مضامین اجتماعی، اخلاقی و تربیتی است که با نثری ساده و روان و با بهره‌گیری از معتبرترین منابع تاریخی و اسلامی، به روایت قصه‌هایی از زندگی امامان (ع) می‌پردازد.

در دو بخش مجزا، نخست ساختار عنوان‌ها و سپس رابطه‌ی عنوان با متن داستان و نقش عوامل درون‌متنی و برون‌متنی در گزینش عنوان داستان بررسی می‌شود تا بتوان نوع عنوان را از دیدگاه نامور مطلق و قویمی و کارکرد آن را از دیدگاه ژنت مشخص و بیان کرد که به کارگیری چنین عنوانی تا چه اندازه برای داستانی در حوزه‌ی کودک و نوجوان و تأثیرگذاری بر ذهن او مناسب است.

۲. پیشینه‌ی پژوهش

درباره‌ی شگردهای داستان‌پردازی در کتاب‌ها و مقاله‌های بسیاری بحث شده است؛ اما درباره‌ی نقش و اهمیت عنوان در داستان‌های معاصر در حوزه‌ی کودک و نوجوان، پژوهش مستقلی انجام نشده است. البته مقاله‌هایی درباره‌ی بررسی عنوان‌ها در مجموعه داستان‌ها و آثار مختلف نوشته شده است؛ از جمله:

«بررسی تطبیقی عنوان در رمان‌های ادبیات پایداری با تکیه بر رمان *أم‌سعد و دا*» از محمود بشیری و سمیه آقاجانی کلخوران (۱۳۹۵)؛ «تحلیل تطبیقی عنوان در آثار صادق هدایت و زکریا تامر» از ابراهیم محمدی، عفت غفوری حسن‌آباد و عبدالرحیم حقدادی (۱۳۹۳)؛ «بررسی عنوان داستان‌های جنگ در حوزه‌ی کودک و نوجوان (دهه‌ی شصت و هفتاد)» از سیده‌ساره صالحی‌ساداتی و همکاران (۱۳۹۸)؛ «نام‌گزینی در روزگار سپری

شده‌ی دولت‌آبادی» اثر قهرمان شیری (۱۳۸۷) و «مقایسه‌ی تحلیلی تطبیقی عنوان‌های «یکی بود یکی نبود» جمال‌زاده و «الوثبه الأولى» محمود تیمور» از شهره معرفت و حبیب‌الله عباسی (۱۳۹۳).

در این مقاله‌ها ابتدا براساس نشانه‌شناسی و در مرحله‌ی بعد بر اساس بینامتنیت و ترامتنیت آثار ادبی و هنری بررسی شده است. تعدادی از این مقاله‌ها نیز بدون در نظر گرفتن عوامل متعدد در گزینش عنوان، تنها با توجه به یک عامل خاص، مثلاً عامل سیاسی، عناوین را تجزیه و تحلیل کرده‌اند. کتاب‌هایی نیز موضوع، ماهیت و کاربرد عنوان در اثر ادبی را تبیین کرده‌اند؛ مثلاً کتاب زمینه‌ها، اثر ژرار ژنت که پژوهش کاملی درباره‌ی آستان‌های متن یا درگاه‌های ورود به متن انجام داده است که از جمله‌ی اصلی‌ترین و کامل‌ترین منابع ارجاعی پژوهشگران در زمینه‌ی عنوان‌شناسی است. در ادبیات معاصر عربی پیش‌تر و بیشتر از فارسی نقش و اهمیت عنوان بررسی شده است. کتاب‌هایی مانند *العنوان فی الشعر العربی النشاء و التطور*، نوشته‌ی محمد عویس (۱۹۹۸) که تاریخچه‌ی عنوان را از آغاز پیدایش تا عصر حاضر بررسی و سپس درباره‌ی عنوان چند قصیده بحث کرده است. کتاب *عتبات جیرار جینت من النص إلی المناص*، نوشته‌ی عبدالحق بلعابد (۲۰۰۸)، اثری پیرامون آستانه‌های متن است که عنوان و سایر مؤلفه‌های آستان متن از دیدگاه ژرار ژنت را بررسی می‌کند. کتاب *لسانیات النص نحو منهج لتحلیل الخطاب الشعری*، نوشته‌ی احمد مداس (۱۹۹۸) نیز از جمله کتاب‌هایی است که در قسمتی از آن، به نقش عنوان در متن و ارتباط آنان پرداخته است. متأسفانه در حوزه‌ی زبان و ادب فارسی، تألیفات چندانی انجام نگرفته است. کتاب *گذری بر داستان‌نویسی فارسی*، تألیف مهوش قویمی، به تحلیل عناصر پیرامتن و از جمله عنوان در تعدادی از رمان‌های معاصر ایرانی پرداخته است. کتاب دیگری نیز با نام *عنوان و عنوان‌گذاری در ادب فارسی*، اثر علی محمدی و طاهره قاسمی، نگاهی به سیر تاریخی عنوان و عنوان‌گذاری با تأکید بر آثار شاعران بزرگ معاصر داشته‌اند.

درباره‌ی عنوان‌شناسی ادبیات کودک و نوجوان، چندان تحقیقی انجام نشده است. بررسی مبنای‌گزینش عنوان در داستان‌های این طیف به تحلیل ساختار، شناخت نوع و کارکرد عنوان کمک می‌کند.

۳. بحث

در حیطه‌ی داستان‌نویسی شاید یکی از سخت‌ترین و چالش‌انگیزترین مراحل داستان‌نویسی، انتخاب عنوان است. انتخاب واژگان تأثیرگذار بر ذهن و دیدگاه مخاطبان، یکی از شگردهای نویسنده‌ی توانمند است که با گزینش یک یا چند واژه، بر روح و روان خواننده اثر می‌گذارد و در همان برخورد اولیه، توجه‌ی خواننده را به اثر خود جلب می‌کند. «عنوان به نزدیک‌ترین شکل، متن اثر را احاطه کرده است و توضیحاتی درباره‌اش ارائه می‌دهد و گاه بدون آن نمی‌توان به متن اصلی دست یافت» (نامورمطلق، ۱۳۸۶: ۹۰).

مطالعه و بررسی شیوه‌های عنوان‌گذاری در مجموعه‌ی داستانی محل بحث در این پژوهش، نشان می‌دهد که از بین شیوه‌های انتخاب عنوان برای داستان که عبارت‌اند از: ۱. قراردادن نام شخصیت محوری یا مکان داستان، ۲. استفاده از عبارت‌های فرامتنی و خارج از کتاب و ۳. ابداع نام از سوی نویسنده (رک. میرصادقی، ۱۳۷۶: ۱۰۸)؛ مسلم ناصری در بیشتر داستان‌ها به شیوه‌ی سوم عمل کرده است و تنها در هشت داستان با قراردادن نام مکان، شیوه‌ی اول را به‌کار برده است. او اغلب سعی کرده است تا از محتوای داستان‌ها استفاده کند و از بین ماجراها و اتفاقات آن واژه‌ای را برگزیند که داستان حول محور آن نقل شده است. در حقیقت کلیدواژه‌ای که می‌تواند راهنمای ماجرای اصلی باشد، برای عنوان هر داستان برگزیده شده است و سپس نام یکی از همین داستان‌ها برای عنوان اصلی مجموعه انتخاب شده است. به این روش در ادبیات داستانی کودکان کمتر توجه شده است.

منابع استفاده‌شده در داستان‌های ناصری، روایات و سیره‌های امامان معصوم (ع) است که در اصل این روایات، هیچ‌گونه اشاره‌ای به عنوان نشده است و نویسنده برای هر داستان از این مجموعه، براساس قسمتی از متن، نام انتخاب کرده است.

این مجموعه داستان، مقدمه، اهداییه، پیشگفتار و سرلوحه ندارد و تنها عنصر پیرامنی آن «عنوان» است. عنوان‌هایی که ناصری برای داستان‌هایش برگزیده است، غالباً عنوان‌های مضمونی است. البته عناوین دیگری هم وجود دارد که افکار خواننده را به سوی مفاهیمی دقیق رهنمون نمی‌کند و مفهوم آن با توجه به دیگر عناصر پیرامتن و همچنین با مطالعه‌ی کامل اثر آشکار می‌شود؛ یعنی عنوان‌های معماگونه که در جلب و جذب خواننده نقشی بسزا ایفا می‌کند.

در ادامه، شیوه‌های عنوان‌گزینی در این مجموعه و مصادیق آن‌ها در داستان‌هایش بررسی و تحلیل می‌شود.

۳. ۱. تحلیل عنوان‌های مجموعه‌ی داستان‌های زندگانی چهارده معصوم (ع)

مجموعه‌ی داستان‌های زندگانی چهارده معصوم (ع)، شامل ۱۶۸ داستان از زندگانی امامان در قالب چهارده اثر بازنویسی شده است که هر اثر، به روایت دوازده داستان از زندگی امامان (ع) می‌پردازد. از آنجاکه هر کدام از این داستان‌ها عنوان جداگانه‌ای دارد و در نهایت یکی از همین عنوان‌ها، به شکل نام اصلی آن مجموعه‌ی دوازده داستانی انتخاب شده است؛ بنابراین کل مجموعه، چهارده عنوان اصلی و ۱۶۸ عنوان فرعی دارد.

۳. ۱. ۱. بررسی ساختار عنوان‌ها

ساختار عنوان‌ها از نظر ساده یا ترکیبی بودن و ذهنی یا عینی بودن متفاوت است.

۳. ۱. ۱. ۱. ساده یا ترکیبی بودن

در این مجموعه، خواننده با داستان‌های پیچیده‌ای روبه‌رو نمی‌شود. در پس نام‌ها معمولاً معانی نمادین وجود ندارد. در صورت استفاده از استعاره، کنایه یا تشبیه هم مخاطب خیلی به زحمت نمی‌افتد و می‌تواند به راحتی منظور نویسنده را دریابد. از آنجاکه عنوان هر چه

بلیغ‌تر و کوتاه‌تر باشد، هنری‌تر است و تناسب بیشتری با سطح درک و فهم رده‌ی سنی کودک و نوجوان دارد؛ حدود دوسوم نام‌های این مجموعه، تک‌واژه یا دوواژه (همراه یا بدون حرف اضافه/ ربط) است؛ به‌گونه‌ای که از مجموع ۱۶۸ عنوان، ۲۴ عنوان ساده و یک‌جزئی مانند «یادگاری»، «توطئه»، «بازگشت» و ۹۵ عنوان دوواژه‌ای از جمله: «انتظار شیرین»، «آوارگی و بخشش»، «زندگی دوباره» در این مجموعه آثار وجود دارد.

یک‌سوم عنوان‌ها (۴۹ عنوان) در این مجموعه، چندجزئی یا به‌صورت جمله و گزارش صریح است که هیچ‌گونه ابهام یا پرداخت ادبی و هنری در آن‌ها وجود ندارد. «زمانی که عنوان به‌صورت جمله می‌آید، به‌نظر می‌رسد که نویسنده تمایل دارد بیشتر درباره‌ی رخدادهای متن توضیح دهد یا گاه به‌منظور پوشاندن متن از واژه‌های متناقض استفاده می‌کند» (رشیدی و صادقی‌شهپر، ۱۳۹۹: ۱۸۸).

لحن نویسنده در عنوان‌های ترکیبی، سادگی داستان را می‌رساند و حتی درون‌مایه‌ی داستان را نیز تا حدودی برای خواننده آشکار می‌کند؛ مانند «سرمایه‌ی کم، سود بسیار»، «چهل خنجر و یک بدن»، «دشمن تشنه، شمشیرهای آخته» و «دکانی که ناپدید شد».

۳. ۱. ۱. عینی یا ذهنی بودن

داستان‌های این مجموعه، همه برگرفته از احادیث و روایات واقعی است و تمایل نویسنده به خلق آثار واقع‌گرایانه را نشان می‌دهد که در عنوان نیز آشکار می‌شود؛ به‌طوری که در این مجموعه آثار، عنوان‌های محسوس و عینی بالاترین بسامد را دارد. عنوان‌های انتزاعی محدودی نیز به چشم می‌خورد که البته امور ذهنی در این عنوان‌ها برای مخاطب درک‌پذیر است؛ مانند «شرمندگی»، «تنبیه»، «رهایی» و «برابری».

از نظر وجوه افعال، تقریباً تمامی عنوان‌های داستان‌های این مجموعه، دارای وجه اخباری است. «وجه اخباری بیانگر وقوع یا عدم وقوع قطعی یک رخداد است و در متن داستانی یا شعر، بسامد بالای وجه اخباری بیانگر ارتباط نزدیک گوینده با رخداد است» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۱۸۷). جمله‌های خبری صرفاً برای انتقال خبر به‌کار نمی‌روند؛ بلکه می‌توانند نشان‌دهنده‌ی تأکید نویسنده بر مطلب خاصی باشند. جمله‌های انشایی، مخاطب

را در درک پیام و خوانش آزاد می‌گذارند؛ با این حال این نویسنده وجه انشایی را به‌ندرت استفاده کرده است و تنها دو عنوان پرسشی «بمانم یا نمانم؟» و «چرا انگشتان؟» و یک عنوان امری «کنار بایست عمو!» در این مجموعه‌ی داستانی وجود دارد.

۳. ۱. ۲. رابطه‌ی عنوان با عناصر درون‌متنی

گاهی عنوان، نشانه‌هایی از درون متن با خود دارد که به آن «عنوان درون‌متنی» می‌گویند (رک. نامور مطلق، ۱۳۸۸: ۹۰). این نوع عنوان، می‌تواند به دو صورت مضمونی یا معماگونه باشد.

۳. ۱. ۲. ۱. عنوان مضمونی و تبیین شیوه‌ی گزینش آن با رویکرد به عوامل درون‌متنی

این نوع عنوان به‌تنهایی کاملاً گویا است و نشانه‌هایی از هویت متن را به‌همراه دارد. آرایه‌های بلاغی به‌کارگرفته‌شده در عنوان و نیز عناصر درون‌متنی برگرفته از ساختار و فضای داستان، می‌تواند اطلاعاتی را در اختیار مخاطب قرار دهد. با توجه به کارکردهای عنوان از دیدگاه ژنت، می‌توان برای این نوع عنوان، کارکرد توصیفی متصور شد. عوامل و عناصر درون‌متنی که به‌صورت عنوان‌های مضمونی در این مجموعه به‌کار گرفته شده است، عبارت است از:

– کنشگران

داستان‌های رئالیستی اساساً شخصیت‌محور است (رک. پاینده، ۱۳۸۹: ۵۲) و از آنجاکه داستان‌های این مجموعه، به‌شیوه‌ی بازنویسی از روایات و احادیث معتبر به نگارش درآمده است و ریشه در واقعیت دارد، نویسنده در اینجا نیز شخصیت را محور خلق همه‌چیز قرار می‌دهد و در دسته‌ای از عنوان‌ها بیش از هر چیز به شخصیت اصلی داستان، نقش اجتماعی یا خصلت‌های اخلاقی و رفتاری وی اشاره می‌کند و به‌گونه‌ای کم‌وبیش آشکارا یادآوری می‌کند که به این شخصیت باید با موقعیت یا ویژگی خاصی توجه کرد؛ به‌گونه‌ای که دسیسه‌ی داستان حول محور این موقعیت یا ویژگی دور بزند. اما او هیچ‌گاه از نام قهرمان داستان برای عنوان استفاده نمی‌کند و بیشتر اسامی عام را برمی‌گزیند که معرف ویژگی‌های یکی از شخصیت‌های داستان است تا خواننده شوق بیشتری برای

دنبال‌کردن داستان پیدا کند. عنوان‌های حاکم ناشناخته، مهمان‌گش، سوار نقاب‌پوش، دانشمندی که خود را به دیوانگی زد، آخرین بازمانده، مردی چون مسیح، تک‌تیرانداز و هم‌سفر ناآشنا، از این دسته است.

نویسنده فقط در یک داستان از نام خاص استفاده کرده است (داستان پسری به نام احمد) که برای خواننده، شناخته‌شده نیست و تا داستان خوانده نشود، نمی‌توان این شخصیت را شناخت.

در داستان‌های این مجموعه، گاهی حیوان‌ها کنشگران اصلی یا فرعی داستان هستند. در داستان شتر سرگردان، همان‌گونه که از نام داستان پیداست، حیوان کنشگر اصلی است و داستان به ماجرای شتر معروف امام‌سجاد(ع) و واکنش‌هایش بعد از درک شهادت حضرت، بی‌قراری و درنهایت مرگش می‌پردازد. در چند داستان دیگر (شیری که زنده شد، سگ حریص، طعمه‌ی شیر، رام‌کننده‌ی قاطرهای سرکش) نیز از اسامی حیوانات در عنوان استفاده شده است اما آن حیوان در متن داستان به‌مثابه کنشگری فرعی برای به‌تصویرکشیدن عطوفت و مهربانی امام یا قدرت ماورایی ایشان در مواجهه با حیوانات در کنار شخصیت اصلی داستان قرار می‌گیرد.

– اشیا و اعداد

در تعداد درخور توجهی از داستان‌های این مجموعه، نام اشیا در عنوان حضور دارد. اهمیت آن‌ها، نامشان را در عنوان داستان‌ها وارد کرده است. این اشیا معمولاً در جای خود، جایگاه ویژه‌ای در پیرنگ داستان یا نقش تعیین‌کننده‌ای در سرنوشت شخصیت داستان دارند؛ به‌گونه‌ای که روند زندگی افراد را تغییر می‌دهد. «نگین شکسته»، «گل آزادی»، «یک سبد نور»، «نامه‌ای به خط رومی»، «باران مروارید»، «استخوان باران‌زا» از جمله داستان‌هایی است که قرارگرفتن نام شیء در جایگاه عنوان، ذهن مخاطب را از وقوع ماجرای دربارهی آن شیء خبردار می‌کند.

در تعدادی از داستان‌ها (پنج جانشین، چهل‌گور برای یک تن، روز پانزدهم، دو نشانه‌ی خداوندی)، نویسنده گاهی با توجه به اصل روایت در مأخذ و گاهی به‌صورت

نمادین و سمبلیک (چهل خنجر و یک بدن، چهل گور برای یک تن)، از اعداد استفاده کرده است. با تأویل اعداد نمادین، می‌توان به جایگاه خاص این اعداد در باورها و عقاید مذهبی و جنبه‌ی سمبلیک آن‌ها پی برد. به‌عنوان مثال عدد چهل در باورها عدد انتظار، آمادگی، آزمایش و تنبیه است (رک. شوالیه و گبران، ۱۳۷۹، ج ۲: ۵۷۶). این عدد در متون اوستایی، میانه و جدید با کاربردهای مختلف از جمله برای زمان و طول مدت به‌کاررفته است. مثلاً در وقایع زندگی پیامبران، اعمال زاهدانه، صوفیانه و آئین‌های مردمی، دوره‌ی چهل‌روزه‌ای است که به یک تغییر اساسی منتهی می‌شود. در سنت‌های مختلف، عدد چهل را کمال مرحله‌ای از زندگی می‌دانند و در آیین‌های مرتبط با تولد، ازدواج و مرگ به‌فراوانی دیده می‌شود (رک. احمدی، ۱۳۹۴: ۱۳).

۳. ۱. ۳. صحنه‌پردازی

هر واقعه‌ی داستان در زمان و مکان خاصی روی می‌دهد و به‌کارگیری دو عنصر زمان و مکان در باورپذیری عمل داستانی، نقش مهمی دارد. زمان و مکانی را که در آن عمل داستانی صورت می‌گیرد، «صحنه» می‌گویند (رک. میرصادقی، ۱۳۷۶: ۴۴۹). از آنجاکه داستان‌های مسلم ناصری بازنویسی از روایات معتبر و واقعی است؛ تأیید اصالت داستان‌ها در واقع تأیید حقیقت‌مانندی آن‌هاست. بنابراین مکان‌ها و زمان‌های به‌کاررفته در عنوان و متن داستان، همگی حقیقی است نه خیالی.

۳. ۱. ۳. ۱. مکان

تمایل به برجسته‌سازی محل وقوع حوادث در عنوان، رایج است. در این مجموعه نیز نویسندگان در عنوان برخی از داستان‌ها به «مکان» اشاره می‌کنند که این مکان در سرنوشت داستان نقش اساسی دارد؛ مانند «سرداب»، «کمینگاه»، «گودال». در بعضی از عنوان‌های از این دست، نویسندگان با افزودن واژه یا صفتی به مکان، جنبه‌ای توصیفی به عنوان اثر بخشیده است که می‌تواند حتی درون‌مایه‌ی داستان را تا حدودی آشکار کند. همان‌گونه که در عنوان‌های «قلعه‌ی تسخیرناپذیر»، «رسوایی در شبستان مسجد»، «اتاقی با بوی گل نرگس»، «دکانی که ناپدید شد» و «نوری در کعبه» مشاهده می‌شود، کلمات اضافه‌شده،

نقشی هدایت‌کننده ایفا می‌کند؛ به این معنی که کانون دقت و تمرکز خواننده را از همان ابتدا به گونه‌ای متمایز مشخص می‌سازد. برای نمونه در داستان دکانی که ناپدید شد اوج داستان و سپس گره‌گشایی آن با ناپدیدشدن دکان رقم می‌خورد.

۳. ۱. ۲. ۳. ۱. ۳. زمان

در میان عنوان‌های مجموعه‌ی زندگانی چهارده معصوم (ع)، عنوان‌های دیگری نیز به چشم می‌خورد که به شیوه‌ای آشکار به «زمان» اشاره می‌کند. زمانی که هنگام وقوع ماجرای اصلی داستان است. این مؤلفه نیز در عنوان داستان‌های ناصری به صورت مستقل به کار نرفته است و همراه با واژه‌ای توصیفی است؛ به عنوان مثال علی‌رغم اینکه شب، مظهر تاریکی و سیاهی است، با صفاتی همراه شده است که مظهر امید و روشنی است: «شب امید»، «شب به یادماندنی»، «روز تلخ، شب شیرین»، «آزادی در شب».

عنصر زمان به کاررفته در عنوان‌ها، گاهی حال و هوای شهادت را که درون‌مایه‌ی داستان است، برملا می‌کند؛ مانند «شب آخر»، «پرواز در طلوع خورشید». گاهی نیز خبر از وقوع واقعه‌ای در زمان مشخص می‌دهد که تنها با مطالعه‌ی داستان می‌توان پرده از راز این زمان خاص برداشت: «ملاقات در شب بارانی»، «روز پانزدهم»، «آرامش بعد از سحر».

۳. ۱. ۴. ۱. ۳. فضا سازی

فضا و رنگ اصطلاحی مبهم و استعاره‌ای است برای احساس یا ادراکی که اغلب نمی‌توان به سهولت به آن دست یافت (رک. میرصادقی، ۱۳۷۶: ۵۳۱). «هوایی را که خواننده به محض ورود به دنیای مخلوق اثر ادبی استنشاق می‌کند، فضا و رنگ می‌گویند» (Barnet, 1964: 115). فضا سازی با سایر عناصر داستان پیوستگی و ارتباط نزدیک دارد؛ به گونه‌ای که اگر پیرنگ داستان دچار نقص یا سستی باشد، فضا سازی دقیق می‌تواند این نقص را پوشش دهد. گاهی عنوان نیز در ارتباط نزدیک و مستقیم با فضا، حال و هوای حاکم بر داستان را برای خواننده آشکار می‌کند.

در این مجموعه، در فضای برخی از داستان‌ها، دشمنی (انتقام، جاسوس، کمینگاه، مهمان‌کش)، آزادی (آزادی در بهار، گل آزادی، رهایی)، رقابت (گرفتار در دام خود،

مناظره، مسابقه)، مرگ (پرواز از زنجیر، پرواز در طلوع خورشید، شب آخر)، توطئه (توطئه‌ای که نگرفت، توطئه، نقشه‌ای که نگرفت، حکم واقعی)، اعجاز (هدیه‌ی آسمانی، سپاهی در آسمان، خرما‌ی بهستی، هدیه‌ای از بهشت، شیری که زنده شد) و در بعضی دیگر جو دوستی (قهوه‌ی دوستی، پیراهن دوستی، خوشبخت‌ترین خانواده، دیدار شیرین)، خودبینی و غرور (شست‌وشوی غرور)، تن‌پروری و مسئولیت‌گریزی (خدمتکار خواب‌آلود، مرد تنبل)، لجاجت و خودسری (پشیمانی، تنبیه، شرمندگی)، امیدواری (امید در ناامیدی، شب امید، زندگی دوباره)، تردید (بمانم یا نمانم، چشم‌ها را باید شست)، مبارزه‌طلبی (دلاور جوان، دست بی‌دفاع، قلعه‌ی تسخیرناپذیر) حاکم است که نمود آن در عنوان مشاهده می‌شود.

۳. ۱. ۵. درون‌مایه

درون‌مایه، فکر و اندیشه‌ی حاکم بر هر اثری است؛ به عبارت دیگر فکر یا مجموعه‌ی افکاری است که موضوع اساسی مدنظر نویسنده را در داستان تحکیم می‌کند و داستان را به سوی وحدت هنری سوق می‌دهد. درون‌مایه‌ی داستان ممکن است واقعیت معمولی و ساده‌ای باشد که تجربه‌ی بشری، آن را به اثبات رسانده است. اما بیشتر اوقات منشأ درون‌مایه، ضرب‌المثل‌ها، افسانه‌ها، کلمات قصار، کتاب‌های مذهبی یا گفتار معروف فلاسفه و نویسندگان و شاعران بزرگی است که داستان براساس آن‌ها پی‌ریزی شده است (رک. میرصادقی، ۱۳۷۶: ۱۷۴-۱۸۰).

آنچه به‌طور مشترک در تمامی آثار این مجموعه به چشم می‌خورد، شباهت در حیطه‌ی موضوعی درون‌مایه‌ها است؛ به نحوی که می‌توان آن‌ها را در دو دسته‌بندی موضوعی جای داد:

۳. ۱. ۵. ۱. در دسته‌ی اول، داستان‌هایی قرار دارد که درون‌مایه‌ی آن‌ها به آموزش بُعد عملی، اخلاقی، رفتار و گفتار امام(ع) در زندگی شخصی یا در معاشرت با مردم می‌پردازد. در این داستان‌ها یا امام در جایگاه شخصیت اصلی در داستان حضور دارد یا داستان به‌صورت مستقیم از زندگی امام نمی‌گوید اما مرتبط با حضور عاطفی ایشان در میان امت

است؛ یعنی همان ارتباط معنوی و حضور دائمی امام در زندگی مردم. او مصالح لازم را در اختیار کودک می‌گذارد تا براساس آن، کودکان فهم خود را از موضوعات دینی و اخلاقی، به نحو مطلوبی شکل دهند. در واژه‌هایی که برای عنوان این داستان‌ها انتخاب شده است، بازتاب این اندیشه را می‌توان دید. نویسنده برای روشن کردن مسئله‌ی اصلی و فکر مرکزی داستان، گاه گوشه‌ای از مضمون را در عنوان آورده است؛ واژه‌ای که می‌تواند محتوای کلی متن را تا حدودی روشن کند. مثلاً عنوان‌های «پرستار مهربان» و «شست‌وشوی غرور»، کاملاً برگرفته از درون‌مایه‌ی آن است.

در تعدادی از داستان‌های این مجموعه، درون‌مایه در قالب جمله‌ای به شکل مستقیم برای مخاطب بازگو شده است و واژه‌های این جمله را در عنوان داستان می‌توان دید: داستان «زیان‌کار»: «خدا را روزی است که در آن روز مسخره‌پیشگان زیان‌کارانند» (ناصری، ۱۳۹۵: ۲۷).

داستان «دو نشانه‌ی خداوندی»: «ای مردم، خورشید و ماه دو نشانه‌ی پروردگار هستند که به دستور خدا به مسیر خود می‌روند و هرگز این دو به خاطر مرگ کسی گرفته و تار نمی‌شوند» (ناصری، ۱۳۹۵ الف: ۶۹).

۱. ۲. ۳. دسته‌ی دوم، شامل داستان‌هایی است که بیشتر بیانگر برهه‌ای از تاریخ است و نویسنده در برخی از آن‌ها به بخش‌هایی از سرگذشت امامان در دوران کودکی، دوران اسارت و زندانی شدن‌های آنان، پیروزی در صحنه‌های نبرد یا مناظره با دانشمندان عصر خود، تعیین جانشین امام و ماجرای شهادت معصومان (ع) می‌پردازد و در برخی دیگر، درباره‌ی ویژگی‌های خاص امامان اطلاعاتی را در اختیار مخاطب می‌گذارد؛ مانند علم فرابشری امام، مطلع بودن آنان از اخبار غیبی، نیت و ضمائر انسان‌ها، حوادث آینده و کارهای خارق عادت. نویسنده برای این دسته از داستان‌ها به انتخاب نام‌هایی گرایش دارد که ضمن تأثیرگذاری احساسی، برای ارتقای سطح معلومات خواننده نیز مفید باشد. این درون‌مایه‌ها و عنوان‌هایی که براساس آن‌ها انتخاب شده، عبارت است از:

- شهادت

یکی از مهم‌ترین و رایج‌ترین مضامین ادبیات داستانی دینی، شهادت است که پیرنگ تعدادی از داستان‌های این مجموعه را تشکیل می‌دهد. برخی عنوان‌ها به‌صراحت به شهادت اشاره دارد؛ مثل «مرز شهادت». در بعضی دیگر از شهادت به کنایه یاد شده است: «چهل گور برای یک تن»، «ماه قطعه‌قطعه‌شده» و «پرواز در طلوع خورشید». در کتاب «هدیه‌ای از بهشت» سه داستان با عنوان‌های «شب آخر»، «دست بی‌دفاع» و «آخرین یاور» با هدف آشناکردن مخاطب نوجوان با فرازهایی برجسته از ماجرای شهادت امام حسین (ع) و وقایع شب و روز عاشورا طرح‌ریزی شده است.

- اسارت

یکی دیگر از موضوع‌های رایج داستان‌های مذهبی، مسئله‌ی اسارت و دربندشدن امامان (ع) است که با بهره‌گیری از مضمون داستان به‌صورت غیرصریح در عنوان جای گرفته است؛ مانند «پرواز از زنجیر» و «آزادی در شب».

- پیروزی و امید

این دو مضمون در ادبیات دینی نمود ویژه‌ای دارد. پیروزی، گاه در میدان نبرد اتفاق می‌افتد و گاه با دانش فرابشری امامان در صحنه‌ی مناظره. برخی عنوان‌ها به‌صراحت و برخی به‌طور ضمنی معنای امیدواری و پیروزی را در خود دارد. عنوان‌هایی مانند «امید در ناامیدی»، «شب امید»، «زندگی دوباره» «پیروزی، شکست، پیروزی» به‌صورت صریح از امید و پیروزی صحبت می‌کند و عنوان داستان‌های «جنگجوی جوان»، «دلاور جوان»، «قلعه‌ی تسخیرناپذیر» و «شمشیرهای آسمانی»، ناخودآگاه ذهن مخاطب را آماده‌ی شنیدن دلآوری‌های شخصیت اصلی در میدان جنگ می‌کند. عنوان‌های «توطئه‌ای که نگرفت»، «نقشه‌ای که نگرفت»، «مناظره» و «حکم واقعی» نیز می‌تواند تداعی‌کننده‌ی نبردی در عرصه‌ی کلام باشد که در این داستان‌ها امامان با بهره‌داشتن از گنجینه‌ی علم الهی در رویارویی با حاکمان و دانشمندان، پیروز میدان مناظره هستند.

- جانشینی برای امام

این مضمون با رویکرد به درون‌مایه‌ی داستان و به شیوه‌ی کنایی در عنوان‌هایی از قبیل: «ما، نه دیگران»، «اتاقی با بوی گل نرگس»، «کنار بایست عمو!» و به شیوه‌ی صریح در عنوان «پنج جانشین» بازگو شده است.

- اعجاز معصومان (ع)

بیان معجزات و کرامات، یکی از دشوارترین مسائل در داستان‌پردازی است و نحوه‌ی بیان معجزات و کرامات پیامبران و امامان برای کودکان و نوجوانان به ظرافت‌های خاصی نیاز دارد؛ از جمله اینکه نویسنده باید ضمن تصویرکردن این امر به‌طور پذیرفتنی، به تناسب سن مخاطب با مطلب بحث‌شده نیز توجه داشته باشد. معجزه‌ها، کارهای خارق‌العاده‌ای هستند که بیان آن‌ها مستلزم رشد ذهنی لازم در کودک و نوجوان است. ناصری به‌خوبی توانسته است از عهده‌ی بازنویسی این امور برآید؛ زیرا در انتخاب روایاتی که محتوای آن به مسائل کرامات، معجزات و مسائل فوق‌عادت برمی‌گردد، به سنین مخاطبانش توجه کرده است و به‌درستی امر باورپذیری را در نظر داشته است. او شخصیت امام معصوم را الگویی دست‌نیافتنی و فرانسائی معرفی نمی‌کند؛ بلکه این الگوها را با ذات و حقیقت انسانی آمیخته است که باورپذیرتر و تأثیرگذارتر شود و بتواند مخاطبش را به تفکر وادارد و سنت‌های الهی را به او نشان دهد و با ارائه‌ی الگویی شایسته، نوجوان را در مسیر صحیح هدایت کند. عنوان‌های «شمشیرهای آسمانی»، «سپاهی در آسمان»، «شیری که زنده شد»، «فرشته‌ای در بیابان»، «خرمای بهشتی»، «اناری از بهشت»، «دکانی که ناپدید شد» و «هدیه‌ی آسمانی» به‌صراحت به کرامات و کارهای شگفت‌انگیز و فوق‌عادت اشاره می‌کند.

۳. ۱. ۶. عناصر بلاغی

نویسنده با به‌کارگیری برخی عناصر بلاغی مانند تشبیه، استعاره، تشخیص و کنایه در متن و در عنوان به زیبایی زبان داستان کمک می‌کند و با ایجاد حس لذت‌بخشی در مخاطب، او را به خواندن متن ترغیب می‌کند.

آرایه‌های بلاغی که در این مجموعه، عنوان داستان‌های مذهبی را زینت داده است، عبارت است از: تشبیه، استعاره، تشخیص و کنایه. این نکته نشان می‌دهد نویسنده به تکنیک‌های داستانی و زبانی برای گزینش عنوان توجه داشته و چگونگی نام‌گذاری داستان از لحاظ زیبایی‌شناسی برای او موضوعیت پیدا کرده است؛ تاجایی که زبانِ عنوان، گاهی شاعرانه می‌شود: «چشم‌ها را باید شست»، «خنده‌ای با پایان گریان»، «اتاقی با بوی گل نرگس»، «با هم برمی‌گردیم، اگرچه...»، «ماه قطعه‌قطعه شده»، «آرامش بعد از طوفان»، «پرواز در آسمان آبی خیال».

عنوان‌هایی که در این مجموعه وجه بلاغی دارد، به تفکیک آرایه‌هایی که در تشکیل عنوان‌ها به کار گرفته شده است، ذکر می‌شود.

۳. ۱. ۶. ۱. تشبیه

ذهن کودک و نوجوان با عناصر محسوس، بیشتر ارتباط برقرار می‌کند؛ بنابراین نوع تشبیه‌های استفاده شده در عنوان، بیشتر ساده و حسی است: «مردی چون مسیح»، «پرواز کبوتر دل»، «شست‌وشوی غرور»، «پرواز در آسمان آبی خیال»، «گل آزادی»، «خاکستر بر ریش، چون دلقک‌ها».

۳. ۱. ۶. ۲. استعاره

بیشترین استعاره در این آثار، مربوط به وجود مبارک امامان است که به دلیل شأن و منزلت و پاکی و خلوص، به نور و خورشید و ستاره و گل تعبیر شده است: «نوری در کعبه»، «خورشید بر بام»، «دوشاخه گل»، «اتاقی با بوی گل نرگس».

۳. ۱. ۶. ۳. تشخیص

در عنوان‌های «پرواز کبوتر دل»، «دکانی که ناپدید شد»، «عطش کینه»، «دست بی‌دفاع» و «خط گره‌گشا» از تشخیص استفاده شده است. در داستان «آخرین بازمانده» نویسنده از عنصر آشنایی‌زدایی استفاده کرده است؛ زیرا این عنوان ابتدا ذهن مخاطب را متوجه‌ی شخص می‌کند، اما شرایط داستان نشان می‌دهد که آرایه‌ی تشخیص به کار گرفته شده است و نویسنده، داستان و توصیف ویژگی‌های امام را از زبان نخل کهن سالی نقل می‌کند.

این شیوه‌ی شخصیت‌پردازی باعث همراهی بیشتر خواننده با سخن‌گوی داستان می‌شود و نویسنده را در تأثیرگذاری پیام داستان، یعنی به‌نمایش گذاشتن سخاوت و بخشندگی امام(ع)، یاری می‌دهد.

۳. ۱. ۶. ۴. کنایه

نویسنده برای بازگوکردن مسئله‌ی شهادت به زبان کنایی، از زنجیر که نشان‌دهنده‌ی اسارت است و پرواز که نماد آزادی است، بهره می‌گیرد: «پرواز در طلوع خورشید»، «پرواز از زنجیر».

۳. ۱. ۶. ۵. متضاد و متناقض‌نما (پارادوکس)

نویسنده برای نام‌گذاری تعدادی از داستان‌ها، به‌قصد اثربخشی بر ذهن مخاطب از واژه‌ها و ترکیبات متضاد یا متناقض‌نما استفاده کرده است. استفاده از عنوان‌های مرکب از دو قطب معنایی متضاد که کوتاه و جذاب است و با مضمون داستان‌ها ارتباط معنایی دارد، از حسن انتخاب نویسنده حکایت می‌کند: «ناشناس آشنا»، «روز تلخ، شب شیرین»، «خنده‌ای با پایان گریان»، «ترس از آرامش»، «قطره‌های آب بر ریشه‌های خشک»، «امید در ناامیدی».

۳. ۱. ۷. عنوان‌های معماگونه

نویسنده گاهی عنوان را مانند نقابی بر چهره‌ی متن می‌گذارد تا حس کنجکاوی مخاطب را برانگیزد و او را به کاوش در متن وادارد. شاید بتوان گفت زیباترین شیوه، این نوع نام‌گذاری است؛ زیرا ذهن را برای یافتن ربط بین عنوان و متن به تلاش وامی‌دارد. نوبرت بر این عقیده است که فقط متن قادر به پاسخ‌گویی پرسشی است که عنوان مطرح می‌کند (رک. کنگرانی، ۱۳۸۸: ۸۵). کارکرد جذب‌کنندگی از دیدگاه ژنت مرتبط با عنوان‌هایی است که با اختصار یا اطناب، مخاطب را مجذوب خود می‌کند یا در هنجارشکنی نقش دارد (رک. ژوو، ۱۳۹۴: ۱۰). بنابراین می‌توان برای عنوان معماگونه چنین کارکردی را متصور شد. تعداد محدودی از عنوان‌های ناصری معماگونه است؛ مانند «در سایه‌ی ماه»،

«چرا انگشتان»، «ترس از آرامش» که به ترتیب برای داستان‌هایی درباره‌ی امام صادق (ع)، امام جواد (ع) و امام هادی (ع) اختصاص یافته است.

۳.۲. رابطه‌ی عنوان با عناصر برون‌متنی و نقش آن‌ها در گزینش عنوان

عنوان برآمده از عوامل برون‌متنی، عنوانی است که از دنیای بیرون متن، حکایت می‌کند. عوامل برون‌متنی، آن دسته از عناصری هستند که بیرون از متن قرار دارند و به صورت غیرمستقیم با متن اصلی ارتباط دارند (رک. آلن، ۱۳۸۰: ۱۴۹). این عوامل عبارت‌اند از: شخصیت‌های تاریخی و اسطوره‌ای، باورها و عقاید مطرح در جامعه، مکان‌های خاص و بینامتنیت (رک. صالحی‌ساداتی و همکاران، ۱۳۹۸: ۶۴). از بین این عوامل، در مجموعه‌ی بررسی شده در این پژوهش، صرفاً می‌توان ردپایی از بینامتنیت را در برخی عنوان‌گذاری‌های روی جلد آثار مشاهده کرد و دیگر عوامل در نام‌گذاری‌های فرعی و اصلی این مجموعه نقشی نداشته‌اند.

۳.۲.۱. عنوان و بینامتنیت

بدون شک متون بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند و به تعبیر امروزی با یکدیگر گفت‌وگو می‌کنند. این ارتباط که در نگاه کلان «بینامتنیت» نامیده می‌شود، پویایی متن را موجب می‌شود. ژنت «بینامتنیت را به رابطه‌ی خاص هم‌حضور، یعنی حضور مؤثر یک متن در متنی دیگر، از طریق نقل قول یا تلمیح محدود می‌کند» (پین، ۱۳۸۲: ۱۷۱) و آن را به سه دسته‌ی بینامتنیت صریح و اعلام‌شده، بینامتنیت غیرصریح و پنهان‌شده و بینامتنیت ضمنی تقسیم می‌کند که در دسته‌ی سوم، مؤلف قصد پنهان‌کاری بینامتن خود را ندارد، به همین دلیل نشانه‌هایی را به کار می‌برد که با این نشانه‌ها می‌توان بینامتن را تشخیص داد (رک. نامورمطلق، ۱۳۸۶: ۸۹).

در گذشته‌ی فرهنگی ما، یکی از عناصر مهم گزینش عنوان، اقتباس از قرآن کریم بوده است. «تا آنجاکه برخی نه تنها عنوان اصلی اثر، بلکه عنوان فصل‌ها و بخش‌های مختلف را نیز از قرآن کریم اتخاذ می‌کرده‌اند» (سیمایی، ۱۳۷۴: ۱۶۲). در این مجموعه داستان نیز

نمادهای دینی و مذهبی برگرفته از روایات و احادیث معتبر، در شش عنوان اصلی بازتاب دارد که تأثیر متون معتبر اسلامی را در عنوان‌گذاری نشان می‌دهد و باتوجه به دسته‌بندی بینامتنیت ژنت، در دسته‌ی «بینامتنیت ضمنی» قرار می‌گیرد. این عنوان‌ها عبارت است از: «یک سبد نور»، «مسافر غریب»، «جنگجوی جوان»، «تنهاتر از پدر»، «شتر سرگردان»، «جوان‌ترین ستاره». برای نمونه به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۲.۲.۳. کتاب داستان با عنوان «مسافر غریب»

بدون خواندن حتی جمله‌ی زیرعنوان، می‌توان حدس زد که این مجموعه مرتبط با زندگانی امام‌رضا(ع) است. دو واژه‌ی «مسافر» و «غریب» با شرایط زندگانی آن امام معصوم (ع) پیوندی از جنس قرابت و تداعی معانی دارد؛ چنان‌که در روایات موجود در مآخذ معتبر هم مکرر به موضوع غربت ایشان اشاره‌هایی شده است. در بحارالانوار روایتی از عیون اخبارالرضا نقل می‌شود: «حسین بن زید گفت: از حضرت صادق علیه‌السلام شنیدم که می‌فرمود: پسر موی فرزندی خواهد داشت هم‌نام با امیرالمؤمنین علیه‌السلام، در سرزمین طوس که در خراسان است و در آنجا به وسیله‌ی سم شهید می‌شود و در بلاد غربت دفن خواهد شد. هرکس او را زیارت کند، با عرفان به حقش، خداوند به او پاداش کسی را می‌دهد که قبل از فتح (مکه) انفاق و جنگ کرده است» (مجلسی، ۱۳۸۰: ۲۶۳).

۳.۲.۳. کتاب داستان با عنوان «تنهاتر از پدر»

با یادآوری روایات متعدد، کلمه‌ی «امام تنها» بلادرنگ شخصیت امام حسن(ع) را به ذهن خواننده متبادر می‌کند؛ زیرا از پدر خود تنهاتر و غریب‌تر بود و برخلاف امام علی(ع)، حتی از همراهی و همدلی همسرش هم بهره‌ای نداشت. محدث قمی در منتهی‌الأمال، سخن امام را روایت می‌کند که اگر یار و یآوری می‌یافتم، حکومت را به معاویه واگذار نمی‌کردم (رک. قمی، ۱۳۷۹). ناصری، خود با ارجاع این عنوان به داستانی با همین نام در کتاب، از عنوان اثر رمزگشایی می‌کند:

«(حضرت) در این چهل‌وهفت بهار زندگی، چه حوادث تلخی را که پشت سر نگذرانده بود؛ شهادت پدر، شهادت مادر و حالا تنها و بی‌یاور در جمع همه. تنهاتر از

پدر! جعه را صدا زد، ولی او نیامد. احساس کرد همسرش هم او را تنها گذاشته است. چه روزگار بدی بود!» (ناصری، ۱۳۹۵: ۸۰).

۳.۲.۴. کتاب داستان با عنوان «شتر سرگردان»

امامان معصوم همچنان که مظهر رأفت و رحمت الهی برای مردمان بودند، مهر و عطوفتشان حیوانات را نیز شامل می‌شد. حضرت زین‌العابدین(ع)، شتری داشتند که بر طبق روایات معتبر ۲۲ مرتبه با آن به حج رفتند و در تمام این مدت حتی ضربه‌ای تازیانه به او زده نشد. امام در شب ارتحال خود، سفارش کردند که به این شتر رسیدگی شود. پس از ارتحال امام، شتر بعد از مدتی سرگردانی یکسره به سوی قبر امام رفت و درحالی‌که هرگز قبر را ندیده بود، خود را به روی قبر انداخت و مرتب ناله کرد و اشک از چشمانش سرازیر بود. خبر را به امام باقر(ع) رساندند. امام به کنار قبر پدر رفت و به شتر گفت: «آرام باش. بلند شو. خدا تو را مبارک گرداند». او بلند شد و برگشت؛ اما پس از زمان اندکی، بازگشت و کارهای قبل را تکرار کرد. امام باقر(ع) فرمودند: او را رها کنید. او می‌داند که از دنیا خواهد رفت. همان شد. سه روز نگذشته بود که شتر وفادار از دنیا رفت. جریان این روایت که در بحارالانوار (مجلسی ج ۴۶، ۱۳۸۰: ۷-۱۴۶)، بصائرالدرجات (حدیث ۲ و ۳ و ۴) و اصول کافی (کلینی ج ۱، ۱۳۸۵: ۴۷) ذکر گردیده است، الهام‌بخش نویسنده در انتخاب این نام برای اولین داستان این مجموعه و عنوان روی جلد کتاب بوده است.

۳.۳. دیگر عنوان‌ها

در چند اثر از جمله: «هدیه‌ای از بهشت»، «ملاقات در شب بارانی»، «شمشیرهای آسمانی»، «دیدار شیرین» و «خیمه‌ای در مهتاب»، دلیل انتخاب چنین عنوان‌هایی برای نام‌گذاری آثاری که به ترتیب داستان‌های امامان سوم، پنجم، دهم، یازدهم و دوازدهم را روایت می‌کند، بر ما پوشیده است و حقیقتاً توجیه منطقی نویسنده را طلب می‌کند. عنوان و دیگر عناصر پیرامتن در معرفی کتاب، نقشی اساسی دارد و اغلب طرحی کلی از مضمون و

چگونگی دریافت متن، ارائه می‌دهد و راه درک و فهم اثر را نیز تاحدودی مشخص می‌کند (رک. قویمی، ۱۳۸۷: ۱۰). اما این عنوان‌های منتخبِ ناصری از چنین خاصیتی بی‌بهره است؛ زیرا بدون وجود زیرعنوان، قادر نیست در معرفی اثر و امام مربوط، نقشی هدایتگر داشته باشد. البته این احتمال وجود دارد که نویسنده قصد جلب توجه و ارجاع مخاطب به داستان‌های هم‌نام با این عنوان‌ها در کتاب داشته است تا گفتار و کنش خاصی را از جانب امام به‌عنوان آموزه‌ی اخلاقی به مخاطب کودک و نوجوانش ارائه دهد.

گزینش عنوان‌های «آخرین بازمانده»، «هدیه‌ی پنهان» و «خورشید انتظار» برای کتاب‌هایی که به ترتیب داستان‌هایی از زندگانی امامان ششم و هفتم و پیامبر اکرم (ص) را روایت می‌کند نیز می‌تواند تاحدودی خواننده را به اشتباه بیندازد؛ زیرا اگر مخاطب به زیرعنوان کتاب دسترسی نداشته باشد، در اولین مواجهه با نام کتاب، به اشتباه می‌افتد و گمان می‌برد که این مجموعه‌ها احتمالاً مرتبط با زندگانی امام زمان (عج) است که به‌عنوان آخرین بازمانده‌ی این شجره‌ی طیبه تا روز فرج از دیده‌ها پنهان است و منتظرانش همچنان در انتظار ظهور منجی موعود به‌سر می‌برند. لازم به یادآوری است که توجه‌ی دقیق به عنصر «عنوان» و برقراری پیوند و ارتباط معنادار بین این عنصر و محتوای متن، در داستان‌پردازی امروزی جایگاه ویژه‌ای دارد.

۴. نتیجه‌گیری

نام داستان از دو جنبه‌ی ساخت و زیبایی‌شناسی و دستیابی به معنا و مضمون متن، بررسی شده است. عنوان به‌مثابه پیرامتن، خود به دو دسته‌ی «عنوان درون‌متنی» و «عنوان برون‌متنی» تقسیم می‌شود و عنوان در دو دسته‌بندی «مضمونی» و «معماگونه» نیز قرار می‌گیرد. عنوان مضمونی با عوامل درون‌متنی از قبیل عناصر داستان و عناصر بلاغی مرتبط است و از دیدگاه ژنت دارای کارکرد توصیفی است و عنوان معماگونه، کارکرد جذب‌کنندگی دارد. عنوان برون‌متنی با عوامل خارج از متن، از قبیل: شخصیت‌های

تاریخی و اسطوره‌ای، باورها و عقاید مطرح در جامعه، مکان‌های خاص و بینامتنیت در ارتباط است.

مجموعه‌ی *داستان‌های زندگانی چهارده‌معصوم (ع)* بازنویسی از روایات اصیل و واقعی است که دارای چهارده عنوان اصلی قرار گرفته بر روی جلد آثار و ۱۶۸ عنوان فرعی برای داستان‌های مجموعه است. عوامل برون‌متنی در گزینش نام‌های فرعی (نام داستان‌ها) تأثیری ندارد و تنها عوامل درون‌متنی مثل شخصیت‌پردازی، درون‌مایه و اجزای صحنه‌پردازی، سهم عمده‌ای در گزینش عنوان داستان‌ها داشته است. عامل «بینامتنیت» به‌عنوان تنها عامل برون‌متنی، نقش پررنگی در گزینش شش عنوان اصلی (نام روی جلد) و معرفی اثر به مخاطب داشته است.

درباره‌ی مبحث نام‌گذاری مجموعه داستان‌های ائمه (ع)، می‌توان گفت که برخلاف اصل روایات که در آن‌ها هیچ‌گونه اشاره‌ای به «عنوان» نشده است، اما بازنویس در مجموعه‌ی چهارده‌گانه‌ی خود، نام‌گذاری‌های متنوع و هوشمندانه‌ای به‌کار برده است که با تفکر و هدف‌گذاری خاصی گزینش شده‌اند. ناصری در بیشتر داستان‌هایش، عنوان را به‌گونه‌ای برمی‌گزیند که راهنمای خوانش متن باشد. بنابراین از نظر پیرامتنیت، عنوان‌ها درون‌متنی، مضمونی و با کارکرد توصیفی است که غالباً به یکی از عناصر داستان از قبیل: شخصیت و خصلت‌های رفتاری، زمان، مکان یا درون‌مایه‌ی داستان اشاره دارد و مخاطب را تا حدودی در جریان محتوای داستان قرار می‌دهد.

در برخی نمونه‌ها نیز زبان عنوان به‌گونه‌ای انتخاب می‌شود که مخاطب را سردرگم می‌کند؛ به‌طوری‌که به‌راحتی نمی‌تواند ارتباط آن را با متن دریابد و با عنوانی معماگونه مواجه می‌شود. تنها در پنج داستان این مجموعه از عنوان‌های «معماگونه» استفاده شده است؛ عنوان‌هایی که افکار خواننده را به‌سوی مفاهیم دقیق رهنمون نمی‌کند و مفهوم آن‌ها با مطالعه‌ی کامل اثر، بارز می‌گردد.

عنوان‌ها بیشتر ساده و عینی است تا ذهنی. گاه نیز یک جمله در عنوان داستان قرار می‌گیرد که قادر است تا حدودی هدف و درون‌مایه‌ی داستان را روشن کند. نویسنده از

شگردهای بلاغی مانند تشبیه، استعاره، کنایه و پارادوکس نیز برای جذب مخاطب و گاه ایجاد ابهام در عنوان بهره گرفته است. گفتنی است که در تعداد بسیار محدودی از داستان‌ها، ناهمخوانی بین عنوان داستان و محتوای آن مشاهده می‌شود؛ اما بقیه‌ی عنوان‌ها از دقت نظر نویسنده حکایت می‌کند.

پس از بحث درباره‌ی دلایل احتمالی گزینش عنوان کتاب‌ها، می‌توان به این نتیجه رسید که نام‌گذاری روی جلد در حدود نیمی از آثار ناصری (یک سبد نور، جنگجوی جوان، تنهاتر از پدر، شتر سرگردان، مسافر غریب، جوان‌ترین ستاره)، نقش هدایت‌کننده دارد و قادر است مخاطب را به شکلی کاملاً گویا و حتی بدون توجه به زیرعنوان، در تداعی نام امام مدنظر و آشکارکردن وجهه‌ای از شرایط زندگانی یا خصلت ویژه‌ی آن امام یاری کند. به عبارت دیگر نویسنده در این شش اثر از «عنوان مضمونی» بهره گرفته است. اما نام‌گذاری در هشت اثر باقی‌مانده (هدیه‌ای از بهشت، ملاقات در شب بارانی، آخرین بازمانده، دیدار شیرین، خورشید انتظار، شمشیرهای آسمانی، خیمه‌ای در مهتاب و هدیه‌ی پنهان)، این توانایی را ندارد و شاید بتوان با مسامحه، به آن «عنوان معماگونه» اطلاق کرد؛ زیرا در تطابق با تعریف عنوان معماگونه، مفهوم آن باتوجه‌به دیگرعناصر پیرامتن مانند زیرعنوان و مطالعه‌ی کامل اثر مشخص می‌شود؛ اما نقش چندانی برای جلب توجه یا جذب مخاطب ایفا نمی‌کند و حتی در تعدادی از آن‌ها نیز ذهن خواننده را به خطا می‌برد (آخرین بازمانده، خورشید انتظار و هدیه‌ی پنهان).

در مجموع می‌توان گفت که مسلم ناصری در آثارش سعی کرده است تا مخاطبان ویژه‌اش را در راه تکامل انسانی و آرمان‌های اجتماعی مطلوب برطبق آموزه‌های دینی، یاری رساند. نویسنده به این حقیقت آگاه است که بیش از هر چیز، باورپذیری و روانی و سادگی بیان، چه در متن و چه در عنوان داستان است که می‌تواند در القای مفاهیم مدنظر به مخاطب اثربخش باشد. از این‌رو با انتخاب عنوان‌های ساده، عینی و هدفمند و نیز با استفاده از شیوه‌ی نوشتن خلاق، باتوجه‌به ظرفیت ساختاری و محتوایی منابع روایی استفاده‌شده در این مجموعه، تلاش کرده است با ارائه‌ی نام‌گذاری‌های تأثیرگذار و

بازنویسی‌های پرکشش، کودکان و نوجوانان را با سیره و ژرفای فکر و اندیشه‌ی معصومان آشنا کند.

منابع

احمدی، لیلا. (۱۳۹۴). «نقش اعداد در آیین‌های گذر ایرانی با تکیه بر فرهنگ گیلان، آمل، تالش، بروجرد، لرستان، خراسان و ایزدخواست». *مطالعات ایرانی*، سال ۱۴، شماره‌ی ۲۸، صص ۱۶-۱.

گراهام، آلن. (۱۳۸۰). *بینامتنیت*. ترجمه‌ی پیام یزدان‌جو، تهران: مرکز. بشیری، محمود؛ آقاجانی کلخوران، سمیه. (۱۳۹۵). «بررسی تطبیقی «عنوان» در رمان‌های ادبیات پایداری با تکیه بر رمان‌های ام‌سعد و دا». *متن پژوهی ادبی*، شماره‌ی ۶۸، صص ۹۳-۱۱۵.

بلعابد، عبدالحق. (۲۰۰۸). *عتبات جیرار جینت من النص إلی المناس، تقدیم*. سعید یقطین، الجزائر العاصمة: المنشوراه الإختلاف. پاینده، حسین. (۱۳۸۹). *داستان کوتاه در ایران (داستان‌های رئالیستی و نوترالیستی)*. تهران: نیلوفر.

پین، مایکل و دیگران. (۱۳۸۲). *فرهنگ اندیشه‌ی انتقادی*. ترجمه‌ی پیام یزدان‌جو، تهران: مرکز.

رشیدی، فریبا؛ صادقی شهپر، رضا. (۱۳۹۹). «شیوه‌های نام‌گذاری عنوان‌ها و شخصیت‌های داستانی در داستان‌های معاصر (مطالعه‌ی موردی: داستان‌های ایرج پزشکزاد، ابوالقاسم پاینده، خسرو شاهانی، فریدون تنکابنی)». *سبک‌شناسی نظم و نشر فارسی (بهار ادب)*، سال ۱۳، شماره‌ی ۷، پیاپی (۵۳)، صص ۲۰۴-۱۸۱.

ژوو، ونسان. (۱۳۹۴). *بوطیقای رمان*. ترجمه‌ی نصرت حجازی، تهران: علمی و فرهنگی. سیمایی، حسن. (۱۳۷۴). «عنوان‌گیری از قرآن کریم». *بینات*، سال ۲، شماره‌ی ۹، صص ۱۶۰-۱۷۹.

- شوالیه، ژان؛ گربران، آلن. (۱۳۷۹). فرهنگ نمادها: اساطیر، ایما و اشاره، اشکال و قوالب، چهره‌ها، رنگ‌ها، اعداد. ترجمه‌ی سودابه فضایی، ج ۳، تهران: جیحون.
- شیری، قهرمان. (۱۳۸۷). «نام‌گزینی در روزگار سپری‌شده‌ی دولت‌آبادی، کلیدهایی برای درک محتوای رمان». علوم انسانی دانشگاه الزهراء، شماره‌ی ۷۴، صص ۱۱۳-۱۴۴.
- صالحی‌ساداتی، سیده‌ساره و دیگران. (۱۳۹۸). «بررسی داستان‌های حوزه‌ی جنگ کودک و نوجوان (دهه‌ی ۶۰ و ۷۰)». فنون ادبی، شماره‌ی ۲۷، صص ۵۱-۶۸.
- عويس، محمد. (۱۹۸۸): *العنوان فی الأدب العربی النشأة و التطور*، القاهرة: مكتبة الانجلو المصریه.
- فتوحی، محمود. (۱۳۹۱). سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها. تهران: سخن.
- قمی، عباس. (۱۳۷۹). *منتهی الآمال فی التواریخ النبوی و الآل*. ج ۱ و ۲، قم: دلیل ما.
- قویمی، مهوش. (۱۳۸۷). *گذری بر داستان‌نویسی فارسی*. تهران: ثالث.
- کنگرانی، منیژه. (۱۳۸۸). *مجموعه‌مقالات چهارمین هم‌اندیشی نشانه‌شناسی هنر به انضمام مطالعات هم‌اندیشی سینما*. تهران: فرهنگستان هنر.
- کلینی، محمدبن یعقوب. (۱۳۸۵). *اصول کافی*. ترجمه‌ی صادق حسن‌زاده، تهران: قائم آل محمد.
- مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی. (۱۳۷۹). *بحار الانوار*. ترجمه‌ی محمد روحانی‌علی‌آبادی، ج ۴۳، تهران: اسلامیه.
- _____ (۱۳۸۰). *بحار الانوار*. ترجمه‌ی موسی خسروی، ج ۴۶، تهران: اسلامیه.
- معرفت، شهره؛ عباسی، حبیب‌الله. (۱۳۹۳). «مقایسه‌ی تحلیلی تطبیقی عنوان‌های «یکی بود یکی نبود» جمال‌زاده و «الوثبه الأولى» محمود تیمور». *لسان مبین*، دوره‌ی ۵، شماره‌ی ۱۵، صص ۱۰۱-۱۲۰.

محمدی، ابراهیم و همکاران. (۱۳۹۳). «خوانش هرمنوتیکی نام داستان «در سه قطره خون» صادق هدایت و ربیع فی الرماد زکریا تامر». *کاوش‌نامه‌ی ادبیات تطبیقی*، سال ۴، شماره‌ی ۱۳، صص ۱۴۵-۱۶۹.

محمدی، ابراهیم؛ غفوری حسن آباد، عفت؛ حقدادی، عبدالرحیم. (۱۳۹۳). «تحلیل تطبیقی عنوان داستان در آثار صادق هدایت و زکریا تامر». *پژوهش‌های ادبیات تطبیقی*، دوره‌ی ۲، شماره‌ی ۲، صص ۱۹۱-۲۱۷.

محمدی، ابراهیم؛ طاهره، قاسمی دورآبادی. (۱۳۹۵). «بررسی و تحلیل عنوان کتاب‌ها و سروده‌های مهدی اخوان‌ثالث». *ادب فارسی*، سال ۶، شماره‌ی ۱، پیاپی ۱۷، صص ۷۷-۹۲.

مداس، احمد. (۱۹۸۸): *لسانیات النصّ نحو منهج لتحليل الخطاب الشعري*. اردن: جدار الكتاب، عالم الكتب.

میرصادقی، جمال. (۱۳۷۶). *راهنمای داستان‌نویسی*. تهران: سخن.
نامورمطلق، بهمن. (۱۳۸۶). «مطالعه‌ی روابط یک متن با دیگر متن‌ها». *علوم انسانی*، شماره‌ی ۵۶، صص ۸۳-۹۸.

_____ . (۱۳۸۸). *عنوان‌شناسی آثار هنری و ادبی ایران (مجموعه‌مقالات چهارمین هم‌اندیشی نشانه‌شناسی هنر به انضمام مقالات هم‌اندیشی سینما)*. به کوشش منیژه کنگرانی، تهران: مؤسسه‌ی تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری «متن».

ناصری، مسلم. (۱۳۹۵ الف). *خورشید انتظار*. تهران: زیارت.

_____ (د). *تنهاتر از پدر*. تهران: زیارت.

_____ (و). *شتر سرگردان*. تهران: زیارت.

_____ (ط). *هدیه‌ی پنهان*. تهران: زیارت.

یونسی، ابراهیم. (۱۳۸۲). *هنر داستان‌نویسی*. تهران: نگاه.

Barnet, S. (1964). *A dictionary of Literary terms*. London.